

خانواده و اعتیاد

دکتر حبیب آقابخشی*

چکیده

زمینه بررسی «اعتیاد در خانواده» براساس این پرسش فراهم شد که آثار اعتیاد پدر بر کارکرد جامعه پذیری، نقش اقتصادی و حمایتی پدر و همچنین روابط اجتماعی اعضای خانواده چیست؟ بنابراین، اهداف این پژوهش عبارتند از:

الف: هدف کلی که در پی ارزیابی اثرات اعتیاد پدر بر کارکردهای خانواده است.
ب: هدف های اختصاصی که به سنجش آثار اعتیاد پدر بر جامعه پذیری فرزندان، نقش اقتصادی پدر، نقش حمایتی پدر و روابط اجتماعی اعضای خانواده نظر دارد.
از بررسی های مقدماتی و همچنین مطالعات تئوریک، استنتاج های کلی زیر حاصل شد که در خانواده های پدرمعتاد:

- ۱- جامعه پذیری فرزندان دچار اختلال می گردد.
 - ۲- نقش اقتصادی و اقتدار پدر به شدت مختل می شود.
 - ۳- نقش حمایتی پدر شدیداً کاهش می یابد.
 - ۴- روابط اجتماعی اعضای خانواده دستخوش اختلال می گردد.
- براساس این استنتاج ها، چهار فرضیه کلی مطرح و طرح تحقیق که مقایسه دو گروه از خانواده های پدرمعتاد و غیر پدرمعتاد در شهر تهران است، تدوین گردید. این پژوهش که از نوع مطالعات تبیینی - مقایسه ای است، به صورت مقایسه برنامه ریزی شده انجام

پذیرفت. در این بررسی، دو گروه خانواده برگزیده شدند:

الف- گروه اصلی، شامل یکصد خانواده ساکن شهر تهران با مشخصات زیر:

۱- دارای فرزندان ۵-۱۲ سال.

۲- اعتیاد پدر به هروئین.

۳- مدت اعتیاد، متجاوز از ۵ سال.

۴- زندگی مشترک پدر با خانواده، تا زمان مصاحبه.

ب- گروه مقایسه، شامل یکصد خانواده مشابه با گروه اصلی، بدون اعتیاد پدر به مواد مخدر که از طریق «ماندگبری» انتخاب شدند.

برخی از نتایج به دست آمده بیانگر این واقعیت اند که مسئله احترام به پدر در بین فرزندان پدرمعتاد، دستخوش آسیب گردیده، فرزندان از دستورات پدر سرپیچی کرده، از حضور او در منزل خوشحال نبوده و در غیاب او احساس دل‌تنگی ننموده و به گونه‌ای، بی‌تفاوت بوده‌اند. همین فرزندان در خارج از منزل، با گروه‌های بزهکار معاشرت دارند و میزان ستیز و خشونت در بین آنان نسبت به گروه مقایسه بالاست. از طرف دیگر، نقش اقتصادی و حمایتی پدر به شدت کاهش می‌یابد و فرزندان در برخورد با مشکلات، روی پدر حساب نمی‌کنند.

همسران آنها نیز از حمایت شوهر معتاد برخوردار نبوده، در معاشرت‌هایی که با حضور شوهر انجام می‌گیرد، احساس شرم و خجالت می‌کنند. علاوه بر این، میزان خشونت و ستیز در بین عناصر اصلی خانواده پدرمعتاد بالاست و زمینه‌های کج‌رفتاری و انحراف در بین فرزندان نشان فراهم است.

خانواده را از جهات گوناگون می‌توان اساس ساخت اجتماعی به حساب آورد. این نهاد کوچک اجتماعی از بدو پیدایش خود، همچون حریم امنی برای اعضای خویش ایفای نقش نموده، و کم‌تر آسیب اجتماعی را می‌توان برشمرد که بی‌تأثیر از نهاد خانواده باشد.

در هر جامعه‌ای، افراد ممکن است به وظایف خود عمل نکنند یا نقش‌های خود را به دیگران محول نمایند، اما وظایف خانوادگی را نمی‌توان به دیگران سپرد، زیرا تعهدات دیگری در قبال تقاضای خانواده ایجاد می‌شود. خانواده با نقشی که در حفظ آداب و سنن فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آینده دارد، فرهنگ را زنده نگه می‌دارد. بنابراین خانواده را می‌توان به گونه‌ای نماینده جامعه دانست و ناتوانی خانواده در اجرای کامل کارکردهایش گویای این واقعیت است که جامعه نیز به هدف‌های خود نخواهد رسید؛ زیرا هر جامعه‌ای می‌کوشد تا نسل‌هایی بالنده و متفکر پرورش دهد و هسته این بالندگی درون خانواده شکوفا می‌شود.

در جامعه ما اکثر پژوهش‌های مربوط به خانواده، در زمینه طلاق صورت گرفته اما در خصوص خانواده‌های آسیب‌زا - خانواده‌هایی که عناصر اصلی آن روابط و کنش متقابل عاطفی با یکدیگر ندارند و از حمایت احساسی یکدیگر محرومند و صرفاً زیر یک سقف یکدیگر را تحمل می‌کنند - اطلاعاتی در دست نیست. فرزندان این خانواده‌ها نیز معمولاً از دید پژوهشگران و نهادهای تأمین اجتماعی، مخفی می‌مانند زیرا به ظاهر در خانواده به سر می‌برند و بر همین اساس، جزو آمار طلاق محسوب نمی‌شوند. به بارتی، پژوهش‌هایی که طی سال‌های اخیر در جامعه ما در زمینه طلاق و بزهکاری طفل صورت گرفته، بر اساس تفاوت بین فرزندان خانواده‌هایی که دچار جدایی شده‌اند و فرزندان خانواده‌های دیگر متمرکز گردیده؛ حال آن‌که چنین مقایسه‌ای اقلیت اصلی را بررسی نمی‌کند، یعنی نشان نمی‌دهد که خانواده‌های متلاشی شده، بل از گسیختگی، بر اثر ستیز و خشونت دائمی والدین، تا چه حد تأثیر مخربی را بر فرزندان بر جای گذاشته‌اند.

فروگرفت پیری پسر را به چوب
توان بر تو از جور مردم گریست

بگفت ای پدر بی‌گناهم، مکوب
ولی چون تو جورم کنی چاره چیست

امروزه نقطه تمرکز اندیشمندان جهان بر کودکان بی سرپرست یا خانواده‌های تک‌والدی معطوف است. در جامعه ما نیز توجه پژوهشگران مسائل خانواده، بیش‌تر معطوف به خانواده‌های متلاشی‌شده است؛ در حالی‌که وضعیت این کودکان با همه دشواری‌هایشان به گونه‌ای مشخص گردیده، لیکن وضعیت کودکان خانواده‌های "پدرمعتاد" به مراتب بحرانی‌تر و غیرقابل مقایسه است. کودکان این خانواده‌ها حضور فیزیکی پدر را در کنار خود احساس می‌کنند، اما پدری که دارای نقشی مخرب و آزاردهنده است. نکته اساسی در این خانواده‌ها که مانع از توجه پژوهشگران و سیاست‌گزاران شده، این است که کودکان پدرمعتاد برعکس کودکان بی‌سرپرست، به ظاهر با خانواده زندگی می‌کنند، مانند سایر کودکان به مدرسه می‌روند و دارای پدر و مادرند. اما روند جامعه‌پذیری آنان در درون خانواده به حدی پیچیده و غیر قابل لمس است که تا موضوع اعتیاد پدر فاش نشود، قابل ارزیابی نیست. دشواری مسئله و عدم توجه و رسیدگی به کودکان این قبیل خانواده‌ها از این‌جاست می‌شود که اینان هنوز بزهکار یا مجرم نیستند. اما برخلاف تصور، فرزندان، تنها پس از جدایی والدین دچار کج‌رفتاری نمی‌شوند. بلکه از زمانی که والدین آن‌ها پس از تنش‌ها و ستیزهای مکرر، سرانجام تصمیم به جدایی می‌گیرند تا زمانی که این تصمیم عملی می‌گردد، بر اثر تکرار این برخوردهای خشونت‌آمیز، فرزندان، آسیب فراوان می‌بینند. ولی بر اثر گسیختگی خانواده است که مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند و در نتیجه این رابطه صرفاً بین جدایی و بزهکاری برقرار می‌گردد. در این پژوهش، تلاش بر این بوده است تا اثرات اعتیاد پدر را، به عنوان یک عامل خارجی، بر نهاد خانواده بسنجیم و اندازه‌گیری کنیم زیرا تاکنون جهت‌گیری اساسی اغلب تحقیقات مربوط به اعتیاد، بیشتر معطوف به دست یافتن به علل اعتیاد از جنبه‌های مختلف بوده است و اثرات اعتیاد بر پدیده‌های دیگر نیز اساساً از این جهات ارزیابی شده است. اما بسیاری از پژوهش‌های سال‌های اخیر به وضوح نشان داده که نداشتن تجربه مستقیم با پدری به عنوان مدل رفتار یا حضور پدری که نتواند مدل مناسبی باشد، فرزندان را از نظر ایفای نقش و رفتارهای اجتماعی دچار مشکل می‌سازد و همین مدل رفتاری نیز در خانواده‌هایی که فرزندان در آینده تشکیل می‌دهند، دیده می‌شود. این بررسی‌ها حاکی از آن است که بسیاری از

خانواده‌هایی که ظاهراً دست نخورده باقی مانده، عناصر اصلی خانواده، یکدیگر را در کنار هم تحمل می‌کنند، ممکن است بر فرزندان تأثیر مخرب‌تری داشته باشند تا خانواده‌هایی که فقط یکی از والدین، آن‌را اداره می‌کند. پژوهش حاضر به اصلی‌ترین هاد خانواده توجه دارد و بر خلاف رسم رایج که بر خانواده‌های از هم گسیخته نظر دارند، این بررسی، بر خانواده‌های «پدرمعتاد» به عنوان تیپ نمونه از خانواده‌های رتنش و آسیب‌زا نظر افکنده، با همه نارسایی‌هایش نشان می‌دهد که شرایط حاکم بر بن خانواده‌ها چگونه است: خانواده‌هایی که در شمار خانواده‌های از هم گسیخته می‌آیند، اما اثراتی به مراتب مخرب‌تر از آن‌ها بر جای می‌گذارند و این در حالی است نه برخی از پژوهندگان دل مشغول این نکته دارند که «آمار طلاق در ایران، کم‌تر از سایر کشورهاست».

روش تحقیق

روش کلی تحقیق، مقایسه دو گروه از خانواده‌های پدرمعتاد و غیر پدرمعتاد در شهر تهران است. این پژوهش از نوع مطالعات تبیینی - مقایسه‌ای است. در این بررسی، دو روه خانواده (هر گروه یکصد نفر) مشابه که تنها از نظر اعتیاد پدر خانواده به هرویین، به نوان متغیر مستقل، متفاوت‌اند، انتخاب گردید و آثار این متغیر مستقل بر چهار متغیر وابسته جامعه‌پذیری فرزندان، نقش حمایتی پدر، نقش اقتصادی پدر و روابط اجتماعی اعضای خانواده مورد بررسی قرار گرفت.

جمعیت و نمونه

جمعیت گروه اصلی، شامل یکصد نفر معتاد به هرویین ساکن تهران است که در مرکز زپروری قرچک نگهداری می‌شدند و دارای شرایط زیر بودند:

- ۱- بیش از پنج سال سابقه اعتیاد دارند،
- ۲- دارای همسر و فرزندان پنج تا دوازده سال هستند،
- ۳- پس از انقلاب، معتاد شده‌اند،
- ۴- تا زمان مصاحبه، با خانواده زندگی می‌کردند.

انتخاب گروه‌ها

دسترسی به افرادی که پس از انقلاب به هرویین معتاد شده، پنج سال از اعتیاد آن‌ها گذشته باشد و دارای فرزندان پنج تا دوازده سال باشند، چندان مشکل نبود. پیچیدگی کار از آنجا آغاز شد که این افراد می‌بایست در خانواده حضور داشته باشند تا اثرات این حضور بر جامعه‌پذیری فرزندان، سنجیده شود؛ اما اغلب افرادی که بیش از پنج سال با هرویین معتاد بودند، عملاً خانواده را ترک کرده بودند. سرانجام پس از اجرای طرح «ولعادیات» و هجوم معتادان فراوان به مرکز قرچک، یافتن یکصد مورد مزبور میسر گردید که وضعیت آنان از نظر سن، تحصیلات، شغل و محل سکونت در جدول شمار یک منعکس گردیده است.

برای یافتن گروه مقایسه، شیوه‌های مختلفی به کار گرفته شد، نظیر راهنمایی مساجد و همکاری آژانس‌های معاملات ملکی در مناطق هفت‌گانه مورد نظر که چندان رضایت‌بخش نبود. سرانجام با همکاری مددکاران اجتماعی و سایر همکاران شاغل در مراکز سازمان بهزیستی واقع در این مناطق، گره کار گشوده شد و افراد گروه مقایسه انتخاب شدند.

۱- وضعیت گروه اصلی (معتاد) از نظر محل سکونت

سن	تحصیلات	شغل	محل سکونت
۱۹-۱۵	بی‌سواد	کارمند	پارک شهر و حسن‌آباد
۲۴-۲۰	خواندن و نوشتن	کارگر	نظام‌آباد
۲۹-۲۵	ابتدایی	راننده	گمرک و مولوی
۳۴-۳۰	تا سوم راهنمایی	معلم	شوش
۳۹-۳۵	دبیرستان	کاسب خرده‌پا	آزادی
۴۴-۴۰	دیپلم	مشاغل آزاد و پردرآمد	تجربیش
۴۹-۴۵	فوق دیپلم	مشاغل علمی و تخصصی	تهران پارس
۵۰ به بالا	لیسانس و بالاتر	دست فروش	

۲- مقایسه پاسخگویان دو گروه بر حسب گروه‌های سنی

گروه‌های سنی	جمعیت		جمع
	گروه مقایسه	گروه اصلی	
۲۹-۲۵	۳	۲	۵
۳۴-۳۰	۳۵	۳۳	۶۸
۳۹-۳۵	۴۷	۵۰	۹۷
۴۴-۴۰	۱۵	۱۵	۳۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰

۳- مقایسه دو گروه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات	جمعیت		جمع
	گروه مقایسه	گروه اصلی	
بی سواد	۲۰	۲۰	۴۰
خواندن و نوشتن	۵	۵	۱۰
ابتدایی	۱۲	۱۲	۲۴
تاسوم راهنمایی	۱۳	۱۳	۲۶
دبیرستان	۲۰	۲۰	۴۰
دیپلم	۲۵	۲۶	۵۱
فوق دیپلم	۳	۲	۵
لیسانس و بالاتر	۲	۲	۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰

۴- مقایسه توزیع دو گروه بر حسب محل سکونت

محل سکونت	جمعیت	
	گروه مقایسه	گروه اصلی
پارک شهر و حسن آباد	۱۰	۱۰
نظام آباد	۳۰	۲۹
گمرک و مولوی	۳۰	۳۱
شوش	۱۴	۱۴
آزادی	۶	۶
تجریش	۵	۵
تهران پارس	۵	۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰

سئوال های آغازین:

اثرات اعتیاد پدر بر کارکرد خانواده چیست؟

بیه صورت مشخص، عملکرد پدر، به عنوان عامل تخریب، چگونه است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش جمع آوری اطلاعات

مدت ها قبل از جمع آوری اطلاعات، سئوال هایی محدود از یکصد دانش آموز مقطع ابتدایی و راهنمایی مدارس شهر تهران در این زمینه که از نظر آن ها یک «پدر» چه نقش و وظایفی دارد و همچنین یکصد زن متأهل تهرانی درباره انتظار آن ها از نقش «شوهر» پرسیده شد و اطلاعاتی کسب گردید. حدود هشت ماه، روزهای پنجشنبه و جمعه رانیز در مرکز قرچک، با معتادان گذراندم و پس از ایجاد ارتباطی صمیمی و حرفه ای، با مشاهده رفتار آن ها با همسران و فرزندانشان در هنگام ملاقات (روزهای جمعه) پرداختم. علاوه بر این، در جلسه های مددکاری گروهی (گروه درمانی) که با حضور معتادان تشکیل می شد، شرکت نمودم و با وجود داشتن ارتباطی مناسب، باز هم

اسخ‌های معتادان یا نادرست یا در بهترین شرایطش، «خنثی» بود. به عبارت دیگر، به همان نتیجه‌ای رسیدم که سال‌ها پیش نیز تجربه کرده بودم، یعنی این که «معتادان»، صولاً پاسخگویان مناسبی نیستند. سرانجام تصمیم گرفته شد که پرسشنامه‌ها را خود ژوهشگر و از طریق مصاحبه برنامه‌ریزی شده با همسران معتادان تکمیل کند.

نیوه تحلیل اطلاعات

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده به منظور بررسی عملکرد و مقایسه دو گروه خانواده، به شیوه زیر عمل شد:

۱- در ابتدا تفاوت عملکرد دو گروه به تفکیک برای هر یک از معرف‌های شاخص‌های) متغیرهای مورد نظر یعنی جامعه‌پذیری، نقش حمایتی و اقتصادی پدر و روابط اجتماعی اعضای خانواده، در جدول‌هایی جداگانه به دست آمد و شاخص اهمسانی آن‌ها نیز از طریق تفاضل مقادیر کسب شده توسط هر گروه تعیین شد و سپس، جمع قدر مطلق تفاضل‌ها تقسیم بر دو محاسبه گردید.

۲- شاخص‌های ناهمسانی دو گروه اصلی و مقایسه در معرف‌های مربوط به هر تغییر، با هم مقایسه و بدین ترتیب تفاوت عملکرد دو گروه در هر متغیر روشن گردید.

۳- در مرحله آخر، به منظور بررسی تفاوت عملکرد دو گروه از خانواده‌ها، میانگین شاخص‌های ناهمسانی آن‌ها در معرف‌های مربوط به هر متغیر با هم مقایسه و بدین ترتیب تفاوت عملکرد دو گروه نشان داده شده است.

حدودیت‌های روش شناختی

نظر به مجرم بودن معتاد در جامعه ما، پاسخ‌های معتادان بسیار جامعه‌پسندانه بود و مدت‌ها طول کشید تا سرانجام تصمیم به مصاحبه با همسران معتادان برای پاسخگویی به پرسشنامه گرفته شد. مهم‌تر از آن، یافتن گروه مقایسه دارای دشواری زیاد و حدودیت‌های فراوان بود.

به منظور درک بهتر موضوع، قبل از آغاز کار و جستجوی پاسخ سؤال‌ها، نخست دو م. تحصیلی را به اتفاق چند دانشجوی مددکاری اجتماعی در مرکز قرچک که تنها مرکز

بازپروری معتادان در تهران است، گذراندم و خود، روزهای جمعه هر هفته در این مرکز به سر بردم و به مشاهده عمیق روابط خانواده‌های معتادان به هنگام ملاقات پرداختم تا سرانجام فرضیه‌های زیر شکل گرفت:

۱- جامعه‌پذیری فرزندان پدرمعتاد در مقایسه با فرزندان غیر پدرمعتاد دچار اختلال می‌گردد،

۲- نقش اقتصادی و اقتدار پدر در مقایسه با خانواده‌های غیرمعتاد به شدت مختل می‌شود،

۳- نقش حمایتی پدر در مقایسه با خانواده‌های غیرمعتاد کاهش می‌یابد،

۴- روابط اجتماعی اعضای خانواده در مقایسه با خانواده‌های غیر پدرمعتاد دستخوش اختلال می‌شود.

می‌دانیم که جامعه‌پذیری فرزندان در جهت حفظ نظام اجتماعی هر جامعه است و کارکرد آن به مفهوم انتقال افکار، ارزش‌ها و مفاهیم عمیق اجتماعی به فرزندان است و در نهایت، سلامت هر جامعه، در گرو وضعیت جامعه‌پذیری است؛ زیرا فرزندان که در خانواده‌های منسجم، جامعه‌پذیر می‌شوند، قادرند در بزرگسالی، مطابق با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه خود ایفای نقش نموده، سلامت زندگی کنند.

برای اندازه‌گیری و سنجش دقیق جامعه‌پذیری، بر اساس مبانی تئوریک موضوع و نظرخواهی از ده نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه، شاخص‌هایی برای مفهوم جامعه‌پذیری در نظر گرفته شد که در بین آن‌ها معرف‌های زیر برگزیده گردید:

۱- احترام به والدین

۲- تبعیت از دستورات والدین

۳- مشارکت داوطلبانه در کارهای منزل

۴- سازگاری با همسالان

۵- رابطه با اولیای مدرسه

۶- وضعیت ظاهری

۷- وضعیت تحصیلی

۸- واکنش فرزندان به بودن و نبودن پدر در منزل

۹- نوع معاشرت فرزندان

برای اندازه گیری و سنجش نقش اقتصادی و حمایتی و روابط اجتماعی اعضای خانواده نیز به همین روال شاخص های زیر در نظر گرفته شد:

شاخص های نقش اقتصادی:

- ۱- وضعیت اشتغال
- ۲- نحوه سرکار رفتن
- ۳- وضعیت درآمد
- ۴- میزان درآمد
- ۵- فروش اموال منزل
- ۶- اجبار همسر برای کار کردن
- ۷- اجبار فرزندان برای کار کردن

شاخص های نقش حمایتی:

- ۱- اتکای فرزندان به پدر در برخورد با مسائل
- ۲- اتکای همسر به شوهر در برخورد با مسائل
- ۳- احساس راحتی فرزندان با پدر
- ۴- احساس راحتی همسر با شوهر

شاخص های روابط اجتماعی اعضای خانواده:

- ۱- احساس شرم فرزندان از حضور پدر در معاشرت ها
- ۲- احساس شرم همسر در حضور شوهر در معاشرت ها
- ۳- احساس غرور فرزندان از حضور پدر در معاشرت ها
- ۴- احساس غرور همسر از حضور شوهر در معاشرت ها
- ۵- وضعیت حضور پدر در منزل
- ۶- میزان اختلاف در بین اعضای خانواده

۷- احساس دل‌تنگی از نبودن پدر در منزل

گزارش یافته‌ها

برای مقایسه وضعیت جامعه‌پذیری فرزندان، نقش حمایتی و اقتصادی پدر و وضعیت روابط اجتماعی اعضای خانواده در بین دو گروه، در ابتدا هر یک از شاخص‌های مربوط به متغیرهای فوق به صورت جداگانه با یکدیگر مقایسه شد که برای نمونه فقط مقایسه یکی از شاخص‌های جامعه‌پذیری یعنی میزان احترام به پدر ذکر می‌شود و میزان اختلاف بقیه شاخص‌ها در جدول دیگری نشان داده خواهد شد.

توزیع احترام به پدر در بین فرزندان دو گروه

میزان احترام به پدر	توزیع درصدی		اختلاف درصدی
	گروه مقایسه	گروه اصلی	
خیلی زیاد	۳۳	۰	-۳۳
زیاد	۵۵	۲	-۵۳
تاحدودی	۱۲	۱۱	-۱
کم	۰	۳۲	۲۳
خیلی کم	۰	۵۵	۵۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۸۷=شاخص ناهمسانی

$$X^2 = 145/96 \text{ df} = 4 \text{ سطح احتمال } 95\%$$

به گونه‌ای که ملاحظه می‌شود، در توزیع احترام به پدر، بین گروه اصلی و مقایسه، ۸۷٪ اختلاف وجود دارد. مراجعه به ستون اختلاف درصدی، نکته مهمی را روشن می‌سازد: در بین فرزندان پدر معنای، احترام به میزان زیاد و خیلی زیاد ۸۶٪ کم‌تر از فرزندان خانواده‌های غیر پدر معنای است، در حالی که میزان کم احترامی و بی‌احترامی به پدر، در همین گروه به ۸۷٪ افزایش یافته که در مجموع، بیانگر اختلافی معنی‌دار است. همان‌گونه که می‌دانیم، احترام فرزند به والدین، صرفاً به قصد ارضای آن‌ها نیست،

بلکه شالوده این احترام و ارتباط، اساس رفتار فرزندان را با سایرین و اجتماع پایه ریزی می‌کند. احترام به والدین به منزله بنیان و چشم‌انداز بعدی کودک به سایر مقررات جامعه و همه افرادی است که در جامعه با او در ارتباطند.

در جدول زیر، میزان اختلاف در صدی هر یک از شاخص‌های مربوط به جامعه‌پذیری به روشنی نشان داده شده است:

شاخص ناهمسانی دو گروه اصلی و مقایسه در معرف‌های مربوط به جامعه‌پذیری

معرف	میزان اختلاف %
میزان احترام به پدر	۸۷
میزان احترام به مادر	۳۸
احترام به اولیای مدرسه	۵۱
مشارکت در کارهای منزل	۲۵
واکنش فرزندان به نبودن پدر در منزل	۶۷
علاقه اولیای مدرسه به فرزندان	۴۶
دعوا و کتک کاری با همسالان	۵۹
سازگاری با همسالان	۳۰
بدتر بودن وضعیت تحصیلی	۴۳
میزان تبعیت از دستورات پدر	۹۲
میزان تبعیت از دستورات مادر	۳۰
مخفی شدن از چشم اولیای مدرسه	۶۷
حرف شنوی از اولیای مدرسه	۴۴
معاشرت فرزندان با همسالان ناهنجار	۴۷
مشاجره و اختلاف با همسالان	۵۵
واکنش فرزندان به حضور پدر	۷۴
مقایسه سر و وضع فرزندان	۴۲
وضعیت تحصیلی	۲۸

با اندکی توجه و دقت در اختلافی که از نظر معرف‌های ذکر شده مربوط به جامعه پذیری فرزندان در بین دو گروه اصلی و مقایسه وجود دارد، به خوبی می‌توانیم وضعیت جامعه‌پذیری در بین فرزندان پدر معتاد را دریابیم.

در مورد نقش اقتصادی پدر در بین دو گروه نیز هر یک از شاخص‌های مربوط به این نقش با یکدیگر مقایسه و اختلاف بین آن‌ها مشخص گردید که در جدول زیر به صورت خلاصه نشان داده شده است:

شاخص ناهمسانی دو گروه اصلی و مقایسه در معرف‌های مربوط به نقش اقتصادی پدر

معرف	شاخص ناهمسانی %
وضعیت اشتغال	۹۷
نحوهٔ سر کار رفتن	۸۱
وضعیت درآمد	۵۰
میزان درآمد	۸۰
فروش اموال	۲۸
اجبار زن به کار	۴۰
اجبار فرزندان به کار	۴۵
علت بدتر بودن سر و وضع فرزندان	۴۲

میانگین شاخص‌های ناهمسانی نقش اقتصادی پدر ۵۷/۸۷٪

می‌دانیم که فرزندان پدر معتاد را نشانه‌ای از تلاش و کوشش می‌دانند و انتظار دارند که با دست پر به خانه باز گردد؛ به عبارتی، او را مظهر فعالیت و تأمین‌کنندهٔ نیازهای اعضای خانواده تلقی می‌کنند. ایفای چنین نقشی از سوی پدر بر اقتدار او می‌افزاید. اما مهم‌تر این که نقش نان‌آوری پدر، تنها به تأمین نیازهای مادی اعضای خانواده خلاصه نمی‌شود. بلکه علاوه بر اقتدار پدر، فرزندان با نقش مثبت «کار» نیز آشنا می‌شوند، این

نش را درونی می‌کنند، و در بزرگسالی دارای پایگاه اجتماعی می‌شوند. بر این اساس، اختلاف بین فرزندان این دو گروه از خانواده، قابل‌درنگ و تأمل است.

ماخص ناهمسانی دو گروه اصلی و مقایسه در معرف‌های مربوط به نقش حمایتی پدر

معرف	شاخص ناهمسانی %
احساس راحتی با شوهر	۹۶
اتکا به شوهر	۹۲
احساس راحتی با پدر	۸۹
اتکا به پدر	۹۳

میانگین شاخص‌های ناهمسانی نقش حمایتی پدر ۹۲/۵ %

در جامعه ما نقش حمایتی پدر، صرفاً از جنبه‌های تأمین مخارج خانواده بررسی می‌شود، بلکه بعد حمایتی همه‌جانبه آن برای کل نظام خانواده نیز مطرح است. در نظام خانواده ایرانی، فرزندان خانواده، حتی پس از بلوغ و ازدواج و تشکیل خانواده‌ای مستقل، باز هم از حمایت معنوی پدر خویش برخوردارند. با اعتیاد پدر، نقش حمایتی او کاهش می‌یابد و به تدریج از ایفای این نقش باز می‌ماند و سرانجام، خود، به حمایت‌شونده‌ای تبدیل می‌گردد، در حالی که فرزندان، نیاز شدیدی به مساعدت و حمایت پدر دارند. فرزندان در برخورد با مشکلات، معمولاً پدر خویش را به عنوان نامی و فردی مقتدر که می‌توانند به او اتکا داشته باشند، تصور می‌کنند. چنانچه این ری و حمایت از سوی پدر انجام نگیرد، نقطه اتکای آن‌ها به بیرون از خانواده منتقل ده، زمینه‌های آسیب‌پذیری فراهم می‌گردد.

شاخص ناهمسانی دو گروه در معرف‌های مربوط به روابط اجتماعی اعضای خانواده

معرف	شاخص ناهمسانی %
احساس شرم و خجالت فرزندان	۱۰۰
احساس راحتی فرزندان	۹۴
احساس غرور فرزندان	۹۹
احساس دل‌تنگی فرزندان از نبودن پدر	۸۳
احساس شرم و خجالت همسران	۹۹
احساس غرور همسران	۹۶
احساس راحتی همسران	۹۴
احساس دل‌تنگی از نبودن شوهر	۸۹
حضور شوهر در منزل طی یک سال اخیر	۷۹
اختلاف با شوهر	۳۳

میانگین شاخص‌های ناهمسانی روابط اجتماعی اعضای خانواده ۸۶/۶٪

مطالعات نظری حاکی از این واقعیت‌اند که بسیاری از کارکردهای خانواده را می‌تواند به سایر نهادهای اجتماعی واگذار کرد، به جز کارکرد مهر و عطوفت و روابط خاص بزرگوار اعضای خانواده، به ویژه روابط والدین با فرزندان و روابط داخلی نظام خانواده که بستگی زیادی به کنش‌های پدر در خانواده دارد. با اعتیاد پدر، معمولاً بر رفتار او مخفی‌کاری حاکم می‌شود، غیبت‌های مکرر روی می‌دهد، فضای دروغ‌گویی و شک تردید بر روابط اجتماعی خانواده غلبه می‌کند، در نتیجه محیط داخلی و روابط اعضا پرستیز می‌گردد و توجه فرزندان به جای پدر، به دیگران معطوف می‌شود. روابط اجتماعی اعضای خانواده با بیرون نیز دستخوش اختلال می‌گردد. معاشرت‌های پدر به ندرت انجام می‌شود و اعضای خانواده از حضور پدر در معاشرت‌ها احساس راحتی نمی‌کنند.

اینک مرور مختصری بر میانگین شاخص ناهمسانی دو گروه اصلی و مقایسه د

کارکردهای اصلی خانواده خواهیم داشت:

میانگین شاخص ناهمسانی	جامعه پذیری فرزندان	۵۱/۳۸٪
میانگین شاخص ناهمسانی	نقش اقتصادی پدر	۵۷/۷۸٪
میانگین شاخص ناهمسانی	نقش حمایتی پدر	۹۲/۵٪
میانگین شاخص ناهمسانی	روابط اجتماعی اعضای خانواده	۸۶/۶٪
میانگین شاخص ناهمسانی	کارکرد خانواده در دو گروه	۷۲/۰۸٪ است.

نتایج جدول نشان می‌دهد که عملکرد دو گروه از خانواده‌های پدر معنود و غیر پدر معنود، به طور کلی با هم متفاوت است و اختلافی فاحش دارد: ۷۲/۰۸٪. و این نشانه آن است که اعتیاد پدر، به عنوان عاملی خارجی توانسته است در عملکردهای خانواده ایجاد اختلال نماید و شبکه نقش‌ها و انتظار از نقش‌ها را به گونه‌ای اساسی مختل سازد و ویژه بر فرزندان، آسیب‌های فراوانی وارد نماید.

اما سؤال اساسی این است که پدر به عنوان عامل تخریب، در جمعیت مورد مطالعه با چگونه عمل کرده است؟ به عبارت دیگر، با دستکاری کدام عامل و برانگیختن چه فتهارهایی به عامل تخریب تبدیل شده است؟

به نظر می‌رسد که اعتیاد پدر، بزرگ‌ترین و بیش‌ترین اثر تخریبی را بر نقش حمایتی گذاشته است (۹۲/۵٪) و با این اختلاف در کارکرد خانواده، سبب شده است که روابط اجتماعی اعضای خانواده نیز دچار اختلال گردد (۸۶/۶٪). از دست رفتن نقش حمایتی خانواده، علاوه بر این‌که فرزندان را از رسیدن به هویت اجتماعی باز می‌دارد، یکی دیگر وظایف خانواده، یعنی نقش اقتصادی آن را نیز مختل می‌سازد (۵۷/۷۸٪). در واقع، بن ارقام بیانگر اهمیت نقش حمایتی پدر است، بدین معنا که نقش حمایتی او چیزی به راتب بیش از تأمین نیازمندی‌های اقتصادی خانواده و بخش مهم آن، تأمین اجتماعی اعضای خانواده و حمایت فرزندان در جهت کسب هویت اجتماعی است. اما جالب است بدانیم که چرا تفاوت جامعه‌پذیری در بین دو گروه، کم‌تر از سایر متغیرهاست. مازوکارهای موجود در جامعه، نظیر نهاد آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی و به

ویژه تلویزیون تا حدودی توانسته‌اند فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان را از انحصار خانواده خارج سازند؛ اما در مقابل، جامعه نتوانسته است سازوکارهای حمایتی لازم از افرادی که از حمایت خانواده محروم‌اند، شکل دهد. بنابراین، در صورتی که فرزندان خانواده، از حمایت والدین محروم گردند، پناهگاه محکمی را که بتواند نقش جایگزین را بر عهده گیرد، نمی‌یابند. به عبارت دیگر، بدون حمایت خانواده، فرد قادر نیست در پناه نهاد اجتماعی دیگری به هویت اجتماعی و احترام لازم دست یابد تا بر اساس آن و با تکیه بر آن، روابط خود را با دیگران تنظیم نماید. درست در شرایط نبود این سازوکارهای حمایتی مستقل از خانواده است که اعتیاد پدر، چنین خانواده‌هایی را به شدت با خانواده‌های آسیب‌زا مبدل می‌سازد و این آسیب‌زایی را با اخلاف در کارکرد حمایتی آن به عنوان کارکردی غیر قابل جایگزین، ایجاد می‌کند.

در این پژوهش، بسیاری از فرزندان خانواده‌های پدرمعتاد از آنجا که حمایتی را که از پدر خویش انتظار دارند، برآورده شده نمی‌بینند، این حمایت را از گروه همسالان، به ویژه کودکان بزرگ‌تر طلب می‌کنند که احتمالاً در پاره‌ای موارد نیز از همین طریق، گام در مسیر کج رفتاری می‌گذارند.

نتیجه

در یکصد خانواده مورد مطالعه، فرزندان هر روز شاهد ستیز والدین بوده، از نظر دریافت مهر و عطوفت و کنترل و نظارت و بالاخره حمایت پدر، در شرایط گنج‌کننده‌ای به سر می‌بردند، زیرا پدر معتاد در هنگام مصرف مواد مخدر و نشنگی حاصل از آن بسیار خوش خلق و با عطوفت بود و نقش نوازشگریش از حد می‌گذشت و در هنگام خماری و دیر شدن زمان مصرف، چنان بی‌قرار و لبریز از عصبانیت می‌شد که کم‌تر تریب توجهی به نیاز اساسی فرزندان نداشت. در نتیجه، کودکان که اسیر چنین شرایط و ساختار آسیب‌زایی قرار داشتند، در تفکر کودکانه خویش به تدریج می‌آموختند که بیه مهرورزی و عطوفت پدر از یک طرف و مصرف مواد مخدر از طرف دیگر، رابطه‌ای وجود دارد، همچنان‌که بین سردی و خشونت او و عدم مصرف مواد مخدر. در نتیجه همواره در تفکر خود، ماده مخدر را روزه‌ای به سوی محبت و صفات خوب انسانی

می‌پنداشتند و احتمالاً چنین بوده که احساس خوش بینی به مصرف مواد مخدر در این قبیل کودکان، شکوفا می‌شده است. دیگر این‌که بر فضای این خانواده، همواره نگرانی و تشویش حاکم است، چرا که هر لحظه، بیم دستگیری پدر وجود دارد. رفت و آمدهای نامنظم پدر و معاشرت‌های مشکوک او بر این نگرانی می‌افزاید. پدر به جای این‌که نقش حمایتی خود را ایفا نماید، خود به حمایت‌شونده‌ای مبدل می‌گردد و به جای این‌که با اقتدار بر امور منزل نظارت و کنترل نماید، مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد، نقش نان‌آوری پدر تغییر جهت می‌دهد: به جای این‌که با دست‌پُر به خانه باز گردد، گاهی با دست‌پر از خانه بیرون می‌رود و اجناس منزل را برای فروش و تأمین مواد مخدر از خانه خارج می‌کند و عملاً با رفتارهای مشکوک خویش، کج‌رفتاری را به آن‌ها می‌آموزد. زیرا نخست، زشتی مصرف مواد مخدر برای فرزندان فرو می‌ریزد؛ در محیط منزل، دسترسی به مواد برای فرزندان آسان می‌شود و مهم‌تر این‌که فرزندان خردسال که عملاً نظاره‌گر حالات پدر هستند، در می‌یابند که چگونه پدر پس از مصرف مواد، مدتی خوش خلق و مهربان می‌شود. بر این اساس، در ذهن و تفکر خویش، مصرف مواد مخدر را روزه‌ای برای ورود به خوشی‌ها می‌انگارند و از این روست که در مقایسه با سایر همسالان خویش بسیار آسیب‌پذیرند. در واقع، شاید بتوان گفت که بسیاری از فرزندان خانواده‌های پدر معتاد، در بزرگسالی، همان الگوهای خانوادگی خویش را احیا می‌کنند. بنابراین، به‌جاست که بر این شعار یونیسف که «کودکان را باید در برابر عواقب ناشی از اشتباهات بزرگ‌ترها محافظت نمود»، تأکید ورزید. نظر به این‌که جامعه ایران در پویش تاریخی و در بستر زمان از نظر ماده‌مخدر، مستعد اعتیادپروری بوده است، همان‌گونه که در شرایط همه‌گیری یک بیماری خاص، افراد سالم علیه آن بیماری واکنش می‌شوند، در این شرایط نیز می‌بایست کودکان سالم جامعه، علیه آسیب‌زایی اعتیاد، واکنش شوند تا چنان‌چه در وضعیت آسیب‌زا قرار گرفتند، آسیب‌پذیر و معتاد نشوند. بر این اساس، پیشنهاد مشخص این‌است که، «واکسیناسیون اجتماعی» در مورد کودکان در خانواده و سپس نظام آموزشی انجام پذیرد.

محتوای این واکسیناسیون اجتماعی می‌تواند شامل بسیاری از مهارت‌های فردی و اجتماعی نظیر مهارت‌های زیر باشد:

- مهارت تصمیم‌گیری به موقع و به جا

- جلوگیری از بروز کم‌رویی در کودکان

- پرورش اعتماد به نفس آن‌ها

- پرورش قدرت جسارت، در مخالفت کردن با پیشنهادهای خلاف، به ویژه از سوی

همسالان.

در نتیجه، این واکنش‌های اجتماعی، انتظار می‌رود نوجوانی که اکنون خجالتی بار نیامده، از اعتماد به نفس بالایی نیز برخوردار است و جسارت «نه گفتن» به پیشنهادهای خلاف را نیز آموخته است، چنانچه در شرایط آسیب‌زا قرار گیرد، مثلاً به کشیدن سیگار دعوت شود یا مصرف ماده مخدری را به او پیشنهاد کنند، به راحتی بتواند مناسب‌ترین تصمیم را بگیرد: با شهامت «نه» بگوید و آسیب‌پذیر و معتاد نشود.

پیشنهاد دوم به سازمان بهزیستی کشور است. به جای جدا کردن فرزندان خانواده‌های پدرمعتادی که عملاً قادر به ایفای نقش‌های خود نیستند و سپردن آن‌ها به مراکز شبانه‌روزی، بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که آن دسته از پدران معتادی که موفق به بازپروری نشده‌اند، از خانواده جدا و در مراکز بازپروری نگهداری شوند و در عوض، «مادر» به گونه‌ای اساسی، حمایت‌گردد تا فرزندان را در محیطی مناسب‌تر، «اجتماعی» نماید. پدران سپرده شده به مراکز بازپروری، علاوه بر فراگیری حرفه و فن‌های مناسب بازار و سایر برنامه‌های رفتار درمانی، در وقت مناسب مورد ارزشیابی قرار گیرند تا در صورت لزوم، امکان بازگشت مجدد آن‌ها به خانواده، میسر گردد.

پیشنهاد سوم به دادگاه‌های مدنی خاص است.

همسران دارای شوهر معتاد معمولاً برای حفظ و بقای نظام خانواده بسیار تلاش می‌کنند و در کنار این تلاش، تمام مساعی خود را نیز برای بازپروری و درمان شوهر می‌بذل می‌دارند و در بسیاری از موارد، سرانجام اطرافیان و خانواده زن نیز مداخله نموده، برای درمان شوهر معتاد، اقدام می‌کنند.

گاهی نیز مشاهده می‌شود که زن، آخرین موجودی، یعنی حلقه ازدواج خود را نیز برای ادامه زندگی می‌فروشد، اما سرانجام به دادگاه مدنی خاص مراجعه می‌نماید تا به زندگی به واقع گسسته خود رنگ قانونی بخشد. در این مسیر دردناک، علاوه بر همسر،

فرزندان خانواده نیز، دستخوش آسیب می‌گردند. این آسیب، بیش‌تر در زمان حضور پدر وارد می‌شود تا پس از جدایی. بنابراین پیشنهاد می‌شود دادگاه‌های مدنی خاص، ضمن مراعات بیش‌تر حقوق این قبیل زنان، شرایط سهل‌تری را برای این گسستگی فراهم نمایند تا با حمایت قانونی، زن بتواند بدون حضور فیزیکی و مخرب شوهر، به تربیت و اجتماعی کردن فرزندان خود بپردازد.

پیشنهاد چهارم به مراکز پژوهشی است.

سال‌هاست که نقطه تمرکز علاقه‌مندان به مسائل خانواده، بر خانواده‌های متلاشی شده و فرزندان آن‌ها معطوف گردیده است. در بسیاری از این پژوهش‌ها، بین جرم و ناسازگاری جوانان، و خانواده‌های از هم‌گسیخته، ارتباط مستقیم وجود دارد. بخشی از این ارتباط، بر اثر این واقعیت به وجود آمده که میزان مرگ و میر و طلاق در محله‌های فقیرنشین بیش‌تر است، جایی که میزان جرم نیز بالاست. به این ترتیب، اثبات چنین ارتباط مستقیمی خالی از اشکال نیست و نتایج به‌دست آمده از تحقیقات مزبور نیز قابل بحث است.

طی چند سالی که به مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات از خانواده‌های پدرمعتاد گذشت، به روشنی مشخص گردید که بسیاری از این خانواده‌ها که ظاهراً دست‌نخورده باقی مانده‌اند، ممکن است در مقایسه با خانواده‌های تک‌والدی، تأثیر مخرب‌تری بر فرزندان بر جای گذارند. در این قبیل خانواده‌ها، ادامه زندگی زن و شوهر، اجباری و همراه با مشاجره دایمی است. زنی و شوهر به جای این‌که با یکدیگر «زندگی» کنند، در کنار هم «زنده‌اند» و به زحمت یکدیگر را تحمل می‌کنند و فرزندان آن‌ها به جای دریافت مهر و عطف، کنترل و نظارت و حمایت به‌جا، در شرایط گیج‌کننده‌ای به سر می‌برند که به آسیب‌پذیری آن‌ها می‌انجامد. با توجه به این مطالب، به پژوهشگران علاقه‌مند به مسائل خانواده پیشنهاد می‌شود که به جای بررسی طلاق، به پژوهش‌های گوناگون تحت موضوع کلی «رضامندی خانواده‌ها» بپردازند. به پژوهشگران علاقه‌مند به مسائل اعتیاد نیز پیشنهاد می‌شود که به جای تکرار موارد انتزاعی و بررسی فرد معتاد جدای از ساختار اجتماعی و روابط خانوادگی، به فرهنگ پیشگیری از اعتیاد توجه نمایند. از سوی دیگر اگر تغییرات، جزء جدایی‌ناپذیر پدیده‌های اجتماعی‌اند، پس سمت و سوی تغییرات

نهاد خانواده در ایران چگونه بوده است؟ در کارکردهای آن طی سال‌های اخیر چه تغییراتی ایجاد شده؟ کدام کارکرد تقویت گشته و کدام رو به ضعف نهاده و به لحاظ تقویت محتوایی، سمت و سوی تحول در کارکردها چگونه بوده است؟

منابع

- اسپاک، بنجامین. پرورش فرزند در عصر دشوار ما. ترجمه هوشنگ ابرامی. تهران: نوبهار، ۱۳۶۷.
- اورنگ، جمیله. پژوهشی دربارهٔ اعتیاد و روشهای درمانی آن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- ایلینگورث، رونالد. س. کودک و مدرسه. ترجمه شکوه نوابی نژاد. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۶.
- بهنام، جمشید. ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰.
- پیران، پرویز. بررسی اعتیاد و بازپروری معتادان. تهران: سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۸.
- تفنگچی، مصطفی. بررسی علل بازگشت معتادان به اعتیاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۲.
- توسلی، غلامعباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۹.
- خاکی، فاطمه. خانواده و انحرافات اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۷۱.
- خداوندی، مهربان. بررسی وضعیت خانوادگی معتادان. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: دانشکده توانبخشی و رفاه اجتماعی، ۱۳۵۴.
- دایسون، جیمز. پدر، مادر، مرا تربیت کنید. ترجمه اسماعیل کیوانی. تهران: حسام، ۱۳۷۱.
- دورکیم، امیل. تقسیم کار اجتماعی. ترجمه حسن حبیبی. تهران: قلم، ۱۳۵۹.
- روزن‌باوم، هایدی. خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. ترجمه محمد صادق مهدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش، ۱۳۷۰.
- ساعی، بهروز. بررسی علل گرایش معتادان به مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی. تهران:

- دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۷.
- سپرده، پروانه. نقش خانواده در اعتیاد جوانان پسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۷.
- سعیدنژاد، محمدعلی. بررسی اعتیاد و آثار و عواقب آن. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۲.
- سگالن، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- سلیم‌پور، رفعت‌الله. اعتیاد به تریاک در بین کودکان ایرانی. تهران: بیمارستان کودکان، ۱۳۷۰.
- شه‌میرزادی، محسن. عوامل محیطی سوق‌دهنده افراد به اعتیاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۷.
- صالحی، ایرج. زنجیره‌های اعتیاد. تهران: آوای نور، ۱۳۷۱.
- صانعی، پرویز. جامعه‌شناسی ارزشها. تهران: مرد مبارز، ۱۳۴۷.
- صدری، ناهید. بررسی ساخت خانواده و ویژگیهای روابط خانوادگی جوانان معتاد. تهران: واحد تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۲.
- طباطبایی، مهربانو. بررسی علل اعتیاد جوانان به هروئین. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۴.
- قمی، غلامرضا. بررسی و شناخت عوامل خانوادگی و اقتصادی مؤثر در اعتیاد. پایان‌نامه کارشناسی، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۷.
- کار، مهرانگیز. بچه‌های اعتیاد. تهران: روشنگران، ۱۳۶۹.
- کینگ، ساموئل. جامعه‌شناسی. ترجمه مشفق همدانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۶.
- گود، ویلیام جی. خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی. تهران: نشر کتاب، ۱۳۵۲.
- لطفی‌زاده، بهروز. بررسی وضعیت اعتیاد روسپیان در قلعه شهرنو. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۲.
- ماکویی، پرویز. بررسی اعتیاد و مسائل آن در خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۴.

— محدث، سید علی. کودک و روابط خانوادگی. تهران: ایران زمین، ۱۳۷۰.

— محمدنژاد، پرویز. علل گرایش به مواد مخدر و تأثیر آن در ارتکاب جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۷۲.

— مظلومان، رضا. عوامل اعتیاد و جرم مربوط به مواد مخدر. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵.
— مندراس، هانری گورویچ. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۹.

— منصوریان، خسرو. تأثیر وجود فرد معتاد در خانواده بر سایر اعضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۹.

— منوچهری، مهدی. خانواده و آسیب‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۷۲.

— مهدی، علی‌اکبر. جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: پیام، ۱۳۵۳.

— میشل، آندره. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

— میررضایی، سرور. تأثیر اشتغال زن بر اقتصاد خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۶.

— میلز، سی. رایت. بینش جامعه‌شناختی. ترجمه معبود انصاری. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.

— نباتچیان، حمید. نگرشی جامعه‌شناختی به سیمای اعتیاد در زنجان. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.

— نجات‌زادگان، حسین. سیمای خراسان در تهاجم مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۷۳)

— نجاتی، حسین. نقش تربیتی در خانواده. تهران: فرزانه‌نگار، (۱۳۷۱).

— Ackerman, R. J. *Stress In The Family*. Dep. of Sociology. Indiana. Pennsylvania: UNI. Press, 1988.

— Anker, R. *Sex Inequalities In The Third World*. New york: MacMillan, 1986.

— Attrrdo, N. *Psychodynamic Facyors In The Morher-Child Relationship*. New york:

- MCGRAW-HILL Book Company, 1975.
- Bottomore, T.B. *Classes In Modern Society*. London: Allen & Unwin, 1965.
 - Burgess, E. W. *The Family From Institution To Companion Ship*. New york: Seminar Press, 1966.
 - Canon, A. C. *Family And Drugs*. New york: Holt Press, 1989.
 - christensen, H. T. (ed.). *HandBook Of Marriage And The Family*. Chicago: Rand McNally And Company, 1967.
 - CoLb, E. A. *The Drug Addiction And The Copout*. New york: MCGRAW-HILL Book Company, 1966.
 - DAGER, E. Z. "Socialization And Personality Development In The Child". *Handbook Of Marriage And The Family*. Chicago: Rand McNally And Company, 1967.
 - Elderd, C. A. *Giving Up Drugs*. London: Mcmillan, 1988.
 - Elliott, D. *The Family And Its Future*. London: Mcmillan, 1970.
 - Farber, B. *Family Organization And Societies*. New york: Simon & Schuster, 1975.
 - Gaudin, J. M. *Treatment Of Families Who Neglect Their Children*. London: Sage Publication, 1988.
 - Griffin, E. *Multiple Addictions*. New york: CRC Press, 1992.
 - Isaacson, E. B. *Chemical Addiction*. London: Sage Press, 1992.
 - Jiliha, R. C. *Psycho-Social Factors In Adolescent Heroin Addicts*. New Delhi: AZAD MEDICAL COLL, 1986.
 - Kadushin, A. *Neglect In Families*. New york: New Bury Park, 1988.
 - Landis, P. *The Broken Home In Teenage Adjustment*. London: MTP. PRESS, 1977.
 - Laurie, P. A. *Drugs, Medical And Social Facts*. G. Britatn: Penguain Publication, 1974.
 - Lieberman, J. J. *The Drug Addict and the Cop out father*. New york: John Willy and Sons, 1974.
 - Maccobt, E. *The Choice Of Variables in The Family*. New Delhi: Prentice Haal, 1972.

- Maggle, O. *Born To Ruin*. Dublin: Gardian Press, 1994.
- Martindale, A. *The Nature And Types Of Sociological Theory*. New york: Simon Press, 1970.
- Murdock, G. P. *Social Ctructure*. New york: New American Library, 1949.
- Nya, F. I. & F. M. Berardo. (ed.), *The Family, Its Structure And Interaction*. New york: The McMillan Company, 1973.
- Omran, A. R. *Further Studies On Family Formation*. Geniba: Health Press, 1981.
- Parsons, T. *Toward A General Theory Of Action*. (eds.) Talcott Parsons And eduard. A. Shills, Cambridge: Mass. Harvard University Press, 1951.
- Pope, G. F. *The Family, Delinquency And Addiction*. University Of Wisconsin. Sage Publication, 1988.
- Seldin, H. *The Family And The Addict*. New york: Schuser Press, 1972.
- Schulz, D. *Family Life And Sex Education*. New york: McMillan, 1990.
- Schwrtzman, J. *The Addict*. Hong Kong: Narcotic Publication, 1975.
- Sorenson, J. L. *Family Approach To The Problem Of Addiction*. Pensylvania: UNI. Press, 1988.
- Stanton, M. And Farber Todd. *Structural Family Therapy With Heroin Addict*. New york: Gardner Press, 1978.
- Stanton, M. *The Family Therapy Of Addiccion*. New york: Guilrord Publication, 1988.
- Thomas, K. R. *The Effect Of Family Therapy On Addict Family Functioning*. USA: Free Press, 1986.
- Untted Nations *Family, Forms And Functions*. New york: ISSN, 1994.
- WADE H. F. *Addictive Efects On Children*, 1991.
- Winick, (C. ed.). *Sociological Aspects Of Drug Dependence*, New york: CRC Press, 1992.